

ورود نخستین سلاذن‌های گونه‌ی یوئه به ایران و الگوی پراکنش آن در مناطق ساحلی و داخلی ایران در قرون اولیه‌ی اسلامی^(۱)

مهسا فیضی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوره‌ی اسلامی دانشگاه تهران

فیروز مهجور*

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

(از ص ۱۳۱ تا ۱۴۸)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۳/۰۲/۲۷

چکیده

سلاذن، از قدیمی‌ترین سفال‌های تولید شده در چین است که نخستین بار در ۳۵۰۰ پ.م به صورت پروتوپروسلین (Proto-porcelain) در ایالت چگینگ تولید شد. ساخت سلاذن‌های واقعی در دوره‌ی هان (۲۰۶ پ.م-۲۲۱ م) آغاز شد و تولید آن تا قرن ۱۷ م/۱۱ هـ.ق در کوره‌های مختلف شمال و جنوب چین تداوم داشت. هدف این پژوهش، بررسی ورود نخستین گونه‌ی سلاذن به ایران و نیز تبیین الگوی پراکنش آن در مناطق مختلف ایران (شامل سواحل خلیج فارس و دریای عمان و نیز مناطق داخلی ایران) در قرون اولیه‌ی اسلامی است. روش پژوهش مبتنی بر بررسی آثار و منابع مکتوب اعم از منابع چینی و ایرانی و نیز مطالعه‌ی تطبیقی نتایج گزارش کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های قرون اولیه‌ی اسلام در ایران، چین و سواحل و جزایر غیرایرانی خلیج فارس است. نخستین سلاذن‌ها به نام گونه‌ی یوئه در قرن ۳ هـ.ق/ ۹ م از طریق مسیر دریایی به بندر سیراف وارد شد و در این منطقه و برخی مناطق هم‌دوره‌ی دیگر رواج یافت. با توجه به مقایسه‌ی تطبیقی دوره‌های فرهنگی حاوی سلاذن یوئه در سیراف، کیش، هرمز، بندر غیرایرانی خلیج فارس و نیز برخی مناطق داخلی ایران، به نظر می‌رسد که صادرات این نوع سفال یعنی سلاذن یوئه در قرن ۱۲ م/ ۶ هـ.ق به دلیل تغییر کوره‌ها، جای خود را به سلاذن گونه‌ی لانگ چوان می‌دهد. با توجه به فراوانی یافته‌های یوئه در مناطق ساحلی خلیج فارس و دریای عمان و نیز به دست‌آمدن نمونه‌های اندک در مناطق داخلی ایران، به نظر می‌رسد که این سفال از یک توزیع ساحلی برخوردار بوده و در مناطق داخلی رواج اندکی یافته است.

واژه‌های کلیدی: سلاذن، یوئه، چین، ایران، سیراف، خلیج فارس.

*نشانی پست الکترونیکی نویسنده‌ی مسئول: fmahjour@ut.ac.ir

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه مهسا فیضی در مقطع کارشناسی ارشد، تحت عنوان «بررسی سفالینه‌های سلاذن» به راهنمایی دکتر فیروز مهجور می‌باشد که در زمستان سال ۱۳۹۱ در گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران دفاع شده است.

۱. مقدمه

سفال و چینی برای قرون متمادی یکی از مهم‌ترین کالاهای تولیدی در ایران و چین به شمار رفته و نقش مهمی در عرصه اقتصاد، فرهنگ، صنعت و هنر این کشورها ایفا کرده است. اهمیت سفال به عنوان ماده تجاری در اقتصاد هر دو کشور، سبب رقابت‌های تنگاتنگ و آمیختگی شدید سنت‌های سفال‌گری شده است، به صورتی که در برخی برهه‌های تاریخی این ارتباطها و برهم‌کنش‌ها در زمینه سفالگری، به اوج خود می‌رسد. در این میان، سفال سلادن به عنوان قدیمی‌ترین چینی تولید شده در چین، یکی از شناخته‌شده‌ترین سفال‌ها نه تنها در خاورمیانه، بلکه در جهان به شمار می‌رود. این سفال برای قرون متمادی و تقریباً بدون وقفه از چین به کشورهای جنوب شرق آسیا، خاورمیانه و آفریقا صادر شده است. ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای خاورمیانه، برای یازده قرن مقصد سفال‌های سلادنی می‌باشد که چه برای مصرف در داخل ایران و چه به جهت صدور به سایر کشورهای جهان اسلام از طریق ایران، در چین تولید می‌شدند.

نخستین سلادن‌ها، در ۳۵۰۰ پ.م در ایالت چگینگ واقع در چین جنوبی تولید شدند (Chen, 2000:3) و از آن پس تا قرن ۱۶م، تولید آنها به صورت مداوم در مناطق مختلف چین شمالی و جنوبی ادامه یافت (Valnstein, 1988:203). گذشت زمان، تغییر سلیقه، تفاوت‌های جغرافیایی محل کوره‌های تولیدکننده و تحولات سیاسی و اقتصادی در طی این روند طولانی، گونه‌های مختلفی از سفال‌های سلادن را به وجود آورده است.

تقسیم‌بندی سلادن‌ها معمولاً به دو صورت زمانی و مکانی صورت گرفته است. تقسیم‌بندی زمانی یا تاریخی بر اساس سلسله‌ها (Chen, 2000:6) صورت گرفته و منظور از تقسیم‌بندی جغرافیایی یا مکانی، تقسیم‌بندی سلادن‌های چین شمالی و چین جنوبی (Garner, 1959:26) است. بر اساس هر کدام از این دو شیوه تقسیم‌بندی، قرن سوم تا قرن دوازدهم میلادی، نقطه عطفی در سیر تاریخی سلادن به شمار می‌رود (Yun, 2005:12. Fuqua, 2007:12. Chen, 2000:26). در این دوره، دشت نینگ - شائوکینگ (Ning-Shaxoing) در بخش شرقی چکینگ، به تولید سلادن‌های بسیار معروفی با نام «یوئه» پرداخت (Chen, 2000:6). یوئه، کوتاه‌شده نام شهر یوئه زو (Yuezhou) است و در حالت کلی، به کوره‌های تولیدکننده سلادن لعاب زیتونی اطلاق می‌شود که در اطراف دریاچه یوئه زو پراکنده بودند (Fuqua, 2007:12).

این ظروف از قرن ۹م به بعد برای تجارت به بندر نزدیک نینگ بو فرستاده می‌شد و بعدها این گونه سفال به فاصله ۵۰۰۰ مایل از خاستگاه خود از طریق راه دریایی به شرق آفریقا و خاورمیانه صادر می‌شد (Yun, 2005:40).

در دوره تانگ (۶۱۸-۹۰۷ م)، در پی کشف راه‌های دریایی و بازارهای جدید در طول اقیانوس هند، تجارت خارجی با جهان غرب رونق گرفت، که مهم‌ترین کالاهای صادراتی چای، نمک و سفال بود (Tampeo, 1989: 100). گواه این امر، قطعات سفال‌ها و چینی‌های مربوط به دوره تانگ است که در بسیاری از ممالک مانند کره (Won-Bok, 2009:200)، ژاپن (Yun, 2005:40)، فیلیپین (Ibid)، ایران، عراق و مصر (Whitehouse, 1968:17) به دست آمده است. در ایران قطعات فراوان سلادن در بنادر مختلف خلیج فارس و دریای عمان نظیر سیراف، کیش، هرمز و سایر مناطق داخلی مانند سیرجان، شوش، نیشابور و گرگان کشف شده است. سلادن در میان چینی‌های وارداتی به جهان اسلام از اهمیت والایی برخوردار بوده است، چرا که از مهم‌ترین چینی‌های

صادراتی به شمار می‌رفته و از تنوع گونه‌ای جالب توجهی برخوردار بوده است. از این رو این پژوهش بر آن است که علاوه بر روشن کردن ورود نخستین سفال‌های سلاذن چینی به ایران، به بررسی گونه‌های وارداتی و تبیین الگوی پراکنندگی آنها در محوطه‌های باستانی قرون اولیه‌ی اسلامی ایران بپردازد.

۲. سلاذن

عنوان سلاذن، به ظروف سفالین با خمیر، سنگی (Stoneware) و یا چینی (Procelain) اطلاق می‌شود، که به دلیل وجود آهن در لعاب در طی عملیات پخت به طیف رنگ‌های سبز، سبزیابی و سبز خاکستری تبدیل می‌شود. البته برخی مواقع بر اثر اکسیداسیون، رنگ لعاب به قهوه‌ای و یا خاکستری روشن نیز می‌گراید (Garner, 1959:362) (تصویر ۱). خاک سلاذن‌ها از جنس خاک چینی، شامل کائولین (Kaolinite) است که در واقع سیلیکات آلومینیوم هیدراته شده با ترکیب شیمیایی $Al_2Si_2O_5(OH)_4$ است. با افزودن آب به خاک چینی، چسپندگی آن بسیار فراوان و قابلیت شکل‌دهی آن بالا می‌رود (Zakin, 2011:12-13). حداقل حرارت لازم در کوره برای تولید یک سلاذن مرغوب، ۱۲۶۰ درجه سانتیگراد یا ۲۳۰۰ درجه فارنهایت است (Dewar, 2002:43). لعاب سلاذن بدون افزودن مواد رنگی، شفاف و بی‌رنگ است ولی با افزودن مقادیر مختلف اکسید آهن، به رنگ‌های مختلف در می‌آید. در واقع، رنگ لعاب سلاذن، بسته به میزان اکسید آهن آن می‌باشد (Britt, 2007:67). با افزودن از ۳٪ تا ۳ درصد اکسید آهن، رنگ لعاب از سبزیابی تا سبز متفاوت است و افزودن ۴ درصد اکسید آهن سبب ایجاد رنگ زیتونی لعاب می‌شود (Ibid:68). در واقع، رنگ خاکستری و یا سبز لعاب، نتیجه تبدیل محتویات آهن سه‌ظرفیتی (Ferric) به فروس یا آهن دوظرفیتی (Ferrous)، یعنی ترکیب $(Fe_2O_3 \rightarrow FeO)$ در جریان پخت است (Dewar, 2002:43). به طور کلی، رنگ سلاذن‌ها عموماً شامل زیتونی، زرد، عسلی یا کهربایی، سبز، آبی و یا آبی آسمانی است (Ibid).

۳. خاستگاه سلاذن

نخستین سلاذن‌ها به صورت پروتو-پروسلین در ۳۵۰۰ پ.م تولید شد و در طی سلسله شائنگ (۱۶۰۰-۱۰۴۶ پ.م) به اوج خود رسید (تصویر ۱) (Chen, 2000:3). در دوره هان (۲۰۶-۲۲۱ م) برای نخستین بار سلاذن‌هایی از جنس چینی ساخته شد. این نوع سلاذن‌ها در دوره سونگ (۹۶۰-۱۲۷۹ م) از نظر مهارت در تکنیک و تزیین، به منتها درجه ظرافت و زیبایی رسید. لذا بسیاری، از این دوران به عنوان دوران بلوغ سلاذن یاد کرده‌اند (Ibid) (تصویر ۲). با آن که در دوره یوآن (۱۲۷۱-۱۳۶۸ م) و دوره مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴ م) سلاذن همچنان تولید می‌شد، اما این دوره‌ها به عنوان دوران افول سلاذن قلمداد می‌شوند (Deng, 2011:49) (تصویر ۳). توضیح آن که در دوران مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴ م) نیز با رواج ظروف آبی و سفید، کوره‌های سلاذن، تولید خود را متوقف کردند و آن دسته از کوره‌هایی هم که در اواخر این دوره همچنان به تولید ادامه دادند، تنها به تولید سلاذن خشن و معمولی با کاربرد روزمره پرداختند (Valnstein, 1988:203).

۴. کوره‌های تولیدکننده سلاذن از ۳۵۰۰ پ.م تا دوره تانگ

نخستین کوره‌های تولیدکننده سلاذن در ۳۵۰۰ پ.م در چین جنوبی و در ایالت چگینگ واقع شده‌اند (Tregear, 1987:5). از مهم‌ترین کوره‌های چگینگ، می‌توان به کوره‌های شائو هسینگ (Tregear, 1987:5) و کوره‌های متعددی در کرانه رودخانه نینگ بو (Lee, 1956:1) اشاره کرد. در دوره هان (۲۰۶-۲۲۱م) نیز کوره‌های شانگ (واقع در شمال چگینگ) از مهم‌ترین کوره‌های تولیدکننده سلاذن به شمار می‌رفتند (Tregear, 1987:5, Chen, 2000: 3). این ایالت تا سلسله‌های وی (Wei) (۲۲۰-۲۶۵م)، جین (Jin) (۲۶۵-۴۲۰م)، سلسله‌های شمالی و جنوبی (۴۲۰-۵۸۹م) و سلسله تانگ (۶۱۸-۹۰۷م) همچنان به تولید سلاذن می‌پرداخت (Chen, 2000: 3). مهم‌ترین کوره‌های تولید سلاذن در سلسله تانگ در دشت نینگ-شائوکینگ در بخش شرقی چکینگ واقع شده است (Yun, 2005:12). این کوره‌ها به دلیل ظهور بسیاری از کوره‌های قابل توجه در شمال و همچنین کوره‌های نظیر لانگ چوان در چکینگ جنوبی به تدریج رو به افول نهادند و در نهایت به صورت کلی، کوره‌های سونگ، جایگزین آنها شد (Chen, 2000: 5-6).

نخستین کوره‌های سلاذن در چین شمالی به صورت محدود در اوایل سلسله تانگ شامل کوره‌های یائوجو واقع در حدود ۷۵ مایلی شمال چانگ / ان (Ch'ang-an) بود. به این دسته سلاذن‌ها به دلیل قرارگیری در چین شمالی، عنوان سلاذن شمالی اطلاق گردید (Lee, 1956:12). به طور کلی، سفال سلاذن در دوره سونگ به اوج خود رسید. در این دوره، کوره‌های منطقه لانگ چوان در بخش جنوبی چگینگ، به ساخت سلاذن‌های بسیار زیبا پرداختند. علاوه بر این کوره‌ها، کوره‌های متعددی در خارج چگینگ و در مناطق مختلف شمالی و جنوبی چین احداث شد، که برخی از آنها نظیر کوره‌های کوون تا دوره مینگ و برخی نظیر کوره‌های یائوجو تا دوره یوان به حیات خود ادامه دادند (Meldley, 1974:84).

۵. ورود سلاذن گونه یوئه به ایران

قدیمی‌ترین سلاذن وارد شده به ایران بر اساس کاوش‌های وایت‌هاوس، سلاذن‌های گونه یوئه در سیراف است که در مرحله 2A^(۱) به دست آمده و متعلق به اواخر قرن ۳ هـ.ق/۹م است (تصویر ۴) (Whitehouse, 1968:17). در کاوش‌های سال ۱۳۸۹ هـ.ش نیز در سیراف (اسماعیلی، ۱۳۸۹) در ترانشه B سلاذن گونه یوئه به همراه گونه‌های دیگر سلاذن به دست آمده که به قرن ۳ هـ.ق/۹م تاریخ‌گذاری شده‌اند (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۲۰۲).

تاکنون، با توجه به گزارش کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی در مناطق خلیج فارس و دریای عمان و نیز مناطق داخلی ایران، هیچ‌گونه مدرکی دال بر وجود سفال‌های سلاذن در ایران قبل از دوران اسلامی به دست نیامده یا لاقط گزارش نشده است. در مسالک و ممالک ابن خردادبه از منابع جغرافیای تاریخی قرن ۳ هـ.ق/۹م از سفال سبزنگ به عنوان یکی از کالاهای وارداتی از چین یاد شده است (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۵۲). علاوه بر این، بر اساس مطالعات جان گای (John Guy) که بیشتر بر مبنای مطالعه منابع مکتوب چینی صورت گرفته است، قبل از قرن اول هجری قمری، حجم تجارت خارجی چین بسیار اندک بوده، ولی در دوره تانگ قرن (۹۰۶-۶۱۸م) تجارت گیاهان معطر خاورمیانه و ادویه‌جات جنوب شرق آسیا با چین رونق می‌گیرد و در قرن ۳ هـ.ق/۹م از سفال برای اولین بار به عنوان ماده تجاری استفاده می‌شود (Kennet, 2004: 71). Guy, 1986:76). علاوه بر مطالعات گای، پژوهش‌های باستان‌شناسان نیز نشان می‌دهد که صادرات سفال و

چینی‌جات به خاورمیانه پیش از قرن ۳ هـ.ق/۹م رونق نیافته است (Rougeulle, 1990:3; Kennet, 2004, 71; Watson, 2004: 455). در میان چینی‌های وارداتی، سلاذنی را که در این دوره دولت چین صادر می‌نمود، سلاذن گونه یوئه (تصویر ۵ و ۶) بوده است، که علاوه بر ایران، در عراق و مصر (Whitehouse, 1968:17) نیز به دست آمده است. در کره نیز وضعیت به همین صورت بوده است چرا که نخستین چینی‌ها در پی افزایش صادرات خارجی چین در اواخر قرن ۹م تا اوایل قرن ۱۰م به این کشور وارد می‌شود (Whitfield and Chan, 2009:200). در این دوره سلاذن‌های یوئه به کره صادر می‌شود و از آن پس مورد تقلید هنرمندان کره‌ای قرار می‌گیرد (Won-bok, 2009:16). در مسیر ارتباط دریایی ایران و چین، قدیمی‌ترین مرکزی که سلاذن در آن به دست آمده شانگا در ساحل شرقی آفریقا است، که در آن سلاذن یوئه در لایه‌های فازهای ۴ و ۱۵ و در ترانسه‌های ۶-۱۰ مربوط به میانه قرن ۳ تا ۶ هـ.ق/۹ تا ۱۲م به دست آمده است (Kennet, 2004: 47). پس از شانگا، سیراف و صحر از قدیمی‌ترین مراکز هستند که در آنها سلاذن‌های هم‌دوره یعنی اواخر قرن ۳ هـ.ق (گونه یوئه) به دست آمده است^(۲).

۶. سلاذن گونه یوئه

جنس این نوع ظروف از خمیره سنگی بسیار ظریف با بافتی متراکم است. رنگ خمیره این ظروف در هنگام پخت از نخودی تا خاکستری روشن و خاکستری تیره متغیر است. معمولاً خمیره سفال‌های زمخت در طیف رنگ‌های روشن همچون خاکستری روشن است؛ در حالی که خمیره ظروف یوئه ظریف، معمولاً به رنگ خاکستری متوسط (نه روشن و نه تیره) می‌باشد (Tampeo, 1989: 52). در برخی از کاسه‌های سلاذن گونه یوئه که دارای لبه ظریف و بدنه زمخت هستند، رنگ لعاب در نزدیکی‌های لبه به علت پخت سریع، مایل به خاکستری است در حالی که قسمت ضخیم ظرف به دلیل پخت اندک، نخودی و یا نخودی صورتی رنگ است (Ibid).

بیشتر ظروف یوئه، ساده و بدون تزیین هستند (تصاویر ۶ و ۵)؛ اما پس از میانه دوره تانگ، سلاذن‌های یوئه با کنده‌کاری‌های زیبایی تزیین شده‌اند (تصویر ۷) که اغلب کنده‌کاری‌ها شامل گل‌های لوتوس، پرنده، پروانه و چشم‌اندازهای مختلف است (Fuqua, 2007:12). برخی دیگر از کنده‌کاری‌ها نیز منقوش به ماهی، اژدها و گل می‌باشد. همچنین علاوه بر کنده‌کاری، تزیینات استامپی نیز در این نوع ظروف به چشم می‌خورد (Gompertz, 1963:25). تقریباً تمام کوره‌های یوئه در دوره سونگ شمالی نیز به تولید سلاذن‌هایی با طرح‌های برجسته و کنده و همراه با جزییات حکاکی شده می‌پرداختند (Fang, 2011:40) (تصویر ۸).

متداول‌ترین فرم‌های یوئه شامل کوزه، خلطدان، ظروف شراب‌خوری نظیر فنجان و نیز بخوردان، کاسه، کوزه، قلمدان، جعبه، بشقاب، دیگ، کاسه‌های تخت (نعلبکی)، سینی و همچنین اسباب‌بازی‌های بچه‌ها از قبیل سگ، اسب کوتاه و جوجه است (Ibid:40). فرم اغلب سلاذن‌های یوئه که در خارج از چین و در مناطق مختلف جهان اسلام به دست آمده شامل کاسه، کوزه و آفتابه است (Tampeo, 1989: 52).

زیبایی ظروف یوئه بیشتر به دلیل لعاب این ظروف است؛ که اغلب سبز خاکستری، سبز روشن، زیتونی، قهوه‌ای، سبز مایل به قهوه‌ای و در برخی مواقع به دلیل وجود آهن زیاد، به صورت سبز با لکه‌های قهوه‌ای جلوه‌گر شده است (Ibid).

به طور کلی، سلا‌دن‌های یوئه، ظروفی با بدنه متراکم و پخت بالا، لعاب شیشه‌ای، ترک‌دار و به رنگ خاکستری تا خاکستری مایل به سفید می‌باشند که مواد اصلی آنها را مخلوطی از کائولین، فلدسپات، میکا، کوارتز و برخی موادی دیگر تشکیل می‌دهد. در مجموع مواد ارگانیک این نوع خاک، بسیار اندک است. لعاب آن نیز قلیایی و شبیه به شیشه است و در صورت ضخامت زیاد نیز به شفافیت جيد و بسیار جلادار است و به رنگ‌های سبز خاکستری، سبز زیتونی، سبز قهوه‌ای می‌باشد (Fang, 2011:40).

پس از دوره میانی سلسله سونگ شمالی، سلا‌دن یوئه به دلیل ظهور کوره‌های قابل توجه بسیار در شمال و همچنین کوره‌هایی نظیر لانگ چوان در چکینگ جنوبی، به تدریج رو به افول نهاد و در نهایت به طور کلی، کوره‌های لانگ چوان، جایگزین آن شد (Chen, 2000: 5-6) (تصویر ۹). به نظر می‌رسد دلیل اصلی افول ظروف یوئه به خصوص پس از قرن ۱۱م، نازک بودن نسبی لعاب آنها می‌باشد (Lee, 1956:43).

۷. سیراف نخستین مرکز واردات سلا‌دن گونه یوئه در ایران

نخستین نمونه سلا‌دن‌های وارداتی به ایران متعلق به اواخر قرن ۳هـ.ق/۹م است، که از بندر سیراف و در مرحله 2A مصادف با دوران شکوه سیراف به دست آمده است (Whitehouse, 1968:17). این ظروف تا اواخر دوره 2C یعنی اواخر قرن ۵هـ.ق/۱۱م تداوم دارند و در اواخر این دوره، سلا‌دن‌های گونه لانگ ظهور می‌کنند (Ibid:21). به بیان کلی، سلا‌دن‌های گونه یوئه در اواخر قرن ۳هـ.ق/۹م به سیراف وارد می‌شوند و تا اوایل قرن ۵هـ.ق/۱۱م تداوم می‌یابند. در این دوره به آرامی شروع به ناپدید شدن می‌کنند، اما این روند آرام تا اواخر نیمه دوم ۵هـ.ق/۱۱م و به احتمال قوی تا اوایل قرن ۶هـ.ق/۱۲م به طول می‌انجامد (Tampeo, 1989: 65).

۸. ویژگی سلا‌دن‌های مکشوف از سیراف

بیشترین اطلاعات مربوط به سلا‌دن‌های گونه یوئه در ایران را می‌توان از کاوش‌های سیراف به دست آورد؛ زیرا علاوه بر حجم فراوان یافته‌های سلا‌دنی، توصیف‌های دقیقی از آنها توسط وایت‌هاوس (Whitehouse 1968) و تامپئو (Tampeo, 1989) صورت گرفته است (تصویر ۴).

سلا‌دن‌های سیراف به دو دسته کلی گونه یوئه و گونه لانگ چوان تقسیم‌بندی می‌شوند. سلا‌دن‌های گونه یوئه، از اواخر قرن ۳هـ.ق/۹م تا قرن ۵هـ.ق/۱۱م یا اوایل قرن ۶هـ.ق/۱۲م در سیراف تداوم داشته، سپس سلا‌دن‌های گونه لانگ چوان متداول می‌شوند (Whitehouse, 1968:17; Tampeo, 1989:64).

به طور کلی، سلا‌دن‌های یوئه مکشوف از سیراف، سفال‌هایی با خمیره سنگی و تمپر شن هستند. رنگ خمیره این سفال‌ها از خاکستری روشن تا خاکستری تیره بوده و لعاب آنها به رنگ‌های خاکستری - سبز تا قهوه‌ای (متداول‌ترین رنگ زیتونی و سبز خاکستری) مات می‌باشد. نمونه‌های اندکی نیز دارای لعاب سبزرنگ ضخیم و شفاف هستند که سطح‌شان پوشیده از ترک‌های ریز است. اغلب نمونه‌ها ساده است (طرح ۱) و فقط تعداد اندکی دارای طرح‌های کنده به شکل برگ‌های لوتوس می‌باشند. فرم متداول، کاسه‌های کم‌عمق با پایه حلقوی و لبه صاف و یا برگشته؛ همچنین کاسه‌هایی با دهانه واریخته، آفتابه و کوزه می‌باشند. (Whitehouse, 1968:17).

تامپئو، سلاذن‌های سیراف را به دو دسته تقسیم می‌کند: یوئه‌های معمولی (طرح‌های ۲-۴) و یوئه‌های پیشرفته (طرح‌های ۵-۶) (Tampeo, 1989:64).

سلاذن‌های یوئه معمولی شامل کاسه‌های لبه برگشته با کف حلقوی بزرگ است. پایه‌های این گونه از سلاذن‌ها نیز بر دو نوع است: ۱. سلاذن‌هایی با پایه‌ی عریض که اکثر نمونه‌های اولیه را شامل می‌شود (طرح‌های ۲-۳). ۲. سلاذن‌هایی با پایه‌های باریک (Ibid) (طرح ۴).

گونه‌ی یوئه پیشرفته نیز شامل کاسه‌های ساده با لبه‌ی ظریف و پایه‌ی کنده‌کاری می‌باشد (طرح‌های ۵-۶). علاوه بر آن، برخی نمونه‌ها نیز لبه‌هایی به فرم گلبرگ و پایه‌های قوسی شکل دارند (Ibid).

ظروف یوئه پیشرفته در کوره‌های یه-یائو، یه-وانگ، میائو و شانگ-لین هو و در کوره‌های شرقی‌تر در نینگ بو و ینگ-کیان در دهانه‌ی رودخانه یانگتزر واقع در شمال چکینگ، تولید می‌شدند (Ibid: 64). به نظر می‌رسد که گونه‌ی یوئه استانی همزمان با گونه‌ی یوئه پیشرفته در همان کوره‌ها اما با کیفیتی نازل‌تر تولید شده است (Ibid).

۹. سلاذن‌های لانگ‌چوآن مکشوف از سیراف

پس از توقف سلاذن گونه‌ی یوئه، با وجود فراوانی تنوع گونه‌های سلاذن در چین (انواع گونه‌های سلاذن شمالی و جنوبی)، تنها سلاذن‌های جنوبی لانگ‌چوآن در سیراف به دست آمده است. از سوی دیگر، از آن جایی که سیراف در دوره‌ی ۴و۵ در مرحله‌ی زوال بوده و فعالیت‌های تجاری آن، در حال انتقال به بندری دیگر بود؛ بنابراین سلاذن‌های لانگ‌چوآن یافت شده از آنجا بسیار اندک است (Ibid: 65).

سلاذن‌های لانگ‌چوآن سیراف به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف- سلاذن‌های مربوط به اوایل دوره‌ی سونگ (۱۱۲۷-۹۶۰م). این سفال‌ها دارای خمیره‌ی سنگی، ظریف و به رنگ خاکستری کم‌رنگ است و رنگ لعاب آنها سبز آبی است. از این نمونه بسیار کم در بندر سیراف به دست آمده است (Ibid).

ب. ظروف اوایل یوآن قرن ۷هـ/ق ۱۳م و اوایل مینگ قرن ۸هـ/ق ۱۴م: این ظروف، کاسه‌های عمیق با تزیین‌های شیاردار قالبی در بیرون ظرف و یا دارای تزیین‌های استامپی به شکل گل‌های صد تومانی (گل‌های هزار پر) در کف ظرف‌اند (Ibid). لازم به ذکر است که نمونه‌ی مشابه این ظروف در کیش نیز به دست آمده است (طرح ۸).

۹-۱. ماهروبان

در طی کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی صورت گرفته در ماهروبان (اسماعیلی، ۱۳۸۹)، سفال سلاذن در ترانشه‌ی A در دوره‌ی Iib^(۳) به دست آمده است که متعلق به قرن ۳هـ/ق ۹م است^(۴). تعدادی سلاذن نیز از سطح کشف شده که متعلق به قرن ۶هـ/ق ۱۲م است (اسماعیلی، ۱۳۸۹:۳۱۵).

۹-۲. کیش

وایت هاوس، بر اساس بررسی خود از جزیره‌ی کیش، میزان سفال لعاب‌دار وارداتی به کیش در طول قرون ۵ تا ۸هـ/ق ۱۱ تا ۱۴م را بسیار بیشتر از سفال‌های لعاب‌دار وارداتی به سیراف در طول قرن ۳ تا ۵هـ/ق ۹ تا ۱۱م می‌داند. به نظر وی، بیشتر چینی‌های خاور دور متعلق به دوران اوج کیش یعنی ۶۹۲هـ/ق ۱۲۹۲م و ۷۳۱هـ/ق

۱۳۳۰م می‌باشد (Whitehouse, 1976: 147). موسوی، کاوشگر کیش نیز به‌طور مستقیم به تاریخ‌گذاری سلاذن‌های مکشوف از این بندر نمی‌پردازد، بلکه نمونه‌های به‌دست آمده را در کنار سایر نمونه‌ها متعلق به قرون ۵ تا ۱۰هـ.ق / ۱۱ تا ۱۶م می‌داند (موسوی، ۱۳۷۶:۲۲۲).

با آن که وایت هاوس در بررسی‌های کیش از سلاذن گونه لانگ‌چوآن به عنوان گونه غالب سلاذن این منطقه یاد می‌کند و از گونه یوئه نامی نمی‌برد (Whitehouse, 1976: 147)؛ مورگان، از گونه یوئه به عنوان سلاذن متداول در جزیره کیش و دشت میناب یاد می‌کند (Morgan, 1991: 70). در کاوش‌های صورت گرفته در کیش در سال ۱۳۷۶هـ.ش نیز هیچ اشاره‌ای به گونه یوئه نشده و تمامی سلاذن‌های گزارش شده، مشابه سلاذن‌های مکشوف از هرمز است. در عین حال، وایت‌هاوس اشاره می‌کند که از نوع سفال‌های متعلق به قرون اولیه اسلامی تا قرن ۶هـ.ق / ۱۲م که در سیراف و سیرجان به دست آمده، نمونه‌های فراوانی نیز در کیش کشف شده است و از آنجایی که نمونه‌های یوئه در سیراف و سیرجان از گونه سفال‌های رایج می‌باشند، به احتمال زیاد سلاذن یوئه نیز در کیش متداول بوده است ولی به علت ناشناخته ماندن در زمره سلاذن‌های دوران میانه مطالعه شده است.

شکل غالب سلاذن‌های کیش، کاسه و قدح‌های بزرگ با لعاب سبزرنگ است، که با روش‌های تزیینی نظیر نقاشی، نقش برجسته، حکاکی و نیز نوشته‌هایی به زبان چینی آرایش شده است (موسوی، ۱۳۷۶:۲۲۲) (طرح‌های ۷-۸). این ظروف هیچ‌گونه شباهتی به کاسه‌های کم‌عمق گونه یوئه ندارند. از نظر تزیین نیز سلاذن‌های گونه یوئه سیراف، اغلب ساده و برخی مزین به کنده‌کاری‌اند، در حالی که گونه سلاذن مکشوف از کیش عمدتاً دارای تزیین نقاشی، نقش برجسته، حکاکی و کتیبه‌اند. مشخصات خمیره، تمپر و رنگ دقیق سلاذن‌های کیش به خوبی سیراف ثبت و ضبط نشده است؛ اما براساس فرم و نوع تزیین ظروف، شباهت بیشتری میان ظروف سلاذن کیش و هرمز به چشم می‌خورد تا ظروف مکشوف از کیش و سیراف (مقایسه کنید طرح‌های ۷-۹).

۹-۳- هرمز

ظاهراً سلاذن گونه یوئه از متداول‌ترین گونه‌های سفالی در دشت میناب به شمار می‌رود. در بررسی‌های ویلیامسون، در ده محوطه از دشت میناب سلاذن‌های نوع یوئه به‌دست آمده است (Williamson, 1987:11) (Morgan, 1991: 70). مورگان، آغاز استقرار در این محوطه‌ها را بر اساس ظروف چینی شانگشا، سفال‌های سخت کرمی‌رنگ و سلاذن‌های گونه یوئه، پیش از قرن ۶هـ.ق / ۱۲م می‌داند (Morgan, 1991:70).

در یکی از محوطه‌های دشت میناب به نام K103، ۱۹۹۸ عدد سفال و چینی خاور دور یافت شده که بیشترین میزان در میان آن محوطه‌ها محسوب می‌شود. اما در میان چینی‌های مذکور، تنها یک قطعه سلاذن یوئه به دست آمده، در حالی که سلاذن‌های لانگ‌چوآن گونه رایج این محوطه را تشکیل می‌دهند (طرح ۹) (Ibid:78). تاریخ‌گذاری این محوطه براساس مجموعه چینی‌های خاور دور، از اواخر قرن ۶هـ.ق / ۱۲م و یا آغاز قرن ۷هـ.ق / ۱۳م تا قبل از قرن ۸هـ.ق یا به طور مشخص سال ۱۳۵۰م است (Ibid:71). در محوطه بعدی که به نام محوطه K107 شناخته شده است و محوطه جایگزین K103 به شمار می‌رود (همان:۷۸)، هیچ‌گونه سلاذن گونه یوئه به دست نیامده، بلکه تمامی سلاذن‌های یافت شده از آنجا، متعلق به دوره مینگ یعنی قرن ۱۱هـ.ق / ۱۷م است (Ibid:71).

۱۰. مناطق داخلی ایران

به طور کلی، بیشترین اطلاعات از پراکندگی سلاذن‌های گونه یوئه در مناطق داخلی ایران از بررسی‌های ویلیامسون به دست آمده است. در بررسی‌های وی، سلاذن گونه یوئه در ۲۷ محوطه تاریخی در ایران و مناطق هم‌جوار به دست آمده است (Williamson, 1987:11). از محوطه‌های مربوط به قرون اولیه اسلامی در داخل ایران می‌توان به کرمان، سیرجان، استخر، ری، گرگان (Ibid:12) و نیشابور (Wilkinson, 1973:255) اشاره کرد. از وجود سلاذن‌های دوره تانگ در شوش نیز گزارش شده، اما در خصوص ویژگی‌های آن اطلاعاتی ارائه نشده است (Koechlin, 1928:7). به طور کلی از سلاذن‌های گونه یوئه در محوطه‌های داخل ایران اطلاعات چندانی در دست نیست و نمونه‌های ارائه شده بسیار اندکند. در نیشابور نخستین نمونه‌های سفال‌های چینی وارداتی، شامل گونه یوئه متعلق به قرن ۳ هـ ق / ۹م (Wilkinson, 1973:255) یعنی مصادف با سیراف است. سلاذن‌های یوئه نیشابور شامل کاسه‌های لعاب زیتونی با پایه حلقوی‌اند (طرح ۱۱) (Ibid).

۱۱. بنادر و محوطه‌های غیر ایرانی

در بنادر غیر ایرانی خلیج فارس نیز سلاذن‌های گونه یوئه متعلق به قرون ۳ هـ ق تا ۶ هـ ق / ۹ تا ۱۲ م دست آمده است، به عنوان مثال، در صحار که هم‌افق با سیراف است، به میزان فراوان سلاذن گونه یوئه متعلق به اواخر قرن ۳ هـ ق / ۹ م به دست آمده است (Kennet, 2004:61).

در کاوش‌های محوطه کوش در منطقه رأس‌الخیمه در ساحل خلیج فارس، که تاریخ آن از دوره ساسانی تا قرن ۸ هـ ق / ۱۴ م است، تنها سه نمونه از سلاذن‌های گونه یوئه از بافت (Context) ۱۴۱۴ به دست آمده است. البته این بافت بسیار به هم‌ریخته است، به صورتی که حاوی سفال‌های پس‌مانده دوره I و II یعنی اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی است. در این بافت، تعداد بسیار معدودی سلاذن نیز از قرن ۶ هـ ق / ۱۲ م به بعد به دست آمده است (Ibid).

سلاذن گونه لانگ چوآن در کوش از قرن ۷ هـ ق / ۱۳ م به بعد ظهور یافت و در محوطه المتف که مربوط به قرون ۸ تا ۱۰ هـ ق / ۱۴ تا ۱۶ م است، هیچ‌گونه سلاذن گونه یوئه به دست نیامده است؛ در حالی که ۲۱۱ قطعه سلاذن گونه لانگ‌چوآن متعلق به قرون ۸ و ۹ هـ ق / ۱۴ و ۱۵ م به همراه سایر گونه‌های سلاذن‌های دوره میانی در این محوطه یافت شده است (Ibid).

از دیگر محوطه‌های خارج از ایران که سلاذن‌های گونه یوئه در آنها کشف شده است، می‌توان به بصره، کوفه، واسط، سامرا در بین‌النهرین، جمیرا در امارات متحده عربی و برهم‌آباد در سند اشاره کرد (Ibid)

۱۲. نتیجه

سفال سلاذن نسبت به سایر سفال‌های چین، از دو منظر حائز اهمیت است:

الف. استمرار واردات آن به ایران به صورت کمابیش مداوم، گستره‌ای زمانی در حدود هشت سده را دربر می‌گیرد.

ب. در طی این هشت قرن، گونه‌های متعددی از این نوع سفال به ایران وارد می‌شوند که هر یک در دوره‌ای رواج می‌یابد و سپس گونه دیگری جایگزین آن می‌گردد. البته در مواردی نیز چند گونه به موازات هم

به ایران وارد می‌شود و استفاده از آنها رونق می‌یابد. از این رو، در بررسی منحنی واردات سلاذن به ایران می‌توان جنبه‌هایی از استمرار صنعتی و فرهنگی را در روابط میان ایران و چین شناسایی و بازسازی نمود. در دوره تانگ (۶۱۸-۹۰۶م) که جهت بهبود وضعیت اقتصادی کشور، تجارت خارجی مورد حمایت دولت چین قرار می‌گیرد؛ برای نخستین بار در قرن ۳هـ.ق/۹م، سفال به عنوان یک محصول صادراتی در اقتصاد این کشور مورد توجه قرار می‌گیرد. لازم به توضیح است که پیش از این تاریخ، سفال نه به‌طور مستقل بلکه به عنوان ظرف حاوی برخی مواد، صادر می‌شده است. برخی منابع مکتوب این دوره (قرن ۳هـ.ق/۹م) نظیر المسالک و الممالک ابن خردادبه نیز به صادرات سفال چین حتی سلاذن^(۵) اشاره می‌کنند. به هر حال، قرن ۳هـ.ق/۹م در صنعت سفالگری بسیاری از کشورهای مقصد تجارت چین، نظیر کره، فیلیپین، ژاپن، ایران، عراق و مصر نقطه عطفی به شمار می‌رود، چرا که سفال‌های وارداتی چین تاثیر فراوانی بر صنعت سفالگری کشورهای مقصد داشته است.

در صنعت سفالگری دوره تانگ، دو گونه سفالینه، یا دو شیوه در سراسر چین رواج داشت: الف. صنعت سفال‌های سفید شمال. ب. سفال‌های سلاذن سبزرنگ گونه یوئه که در جنوب آن کشور، منطقه یوئه‌زو در ایالت چگینگ تولید می‌شدند. هر دوی این گونه سفال‌ها در حجم انبوه در قرن ۳هـ.ق/۹م از طریق بندر جنوبی کانتون به جنوب شرق آسیا و خاورمیانه صادر می‌شدند. در ایران، اولین سلاذن‌ها از طریق بندر سیراف در اواخر قرن ۳هـ.ق/۹م وارد این بندر می‌شود و در همان زمان در سایر مناطق هم‌جوار نیز رواج می‌یابد. در صحار نیز سلاذن‌های وارداتی هم‌زمان با سیراف به دست آمده است، اما حجم یافته‌های سیراف بسیار بیشتر است. سلاذن‌های مکشوف از سیراف از گونه یوئه هستند که از اواخر قرن ۳هـ.ق/۹م تا اواخر ۵هـ.ق/۱۱م در سیراف تداوم داشتند و پس از این تاریخ به تدریج تا اوایل قرن ۶هـ.ق/۱۲م به کلی ناپدید می‌شوند و سلاذن‌های گونه لانگ چوان جای آن را می‌گیرند. در کیش در اواسط قرن ۵هـ.ق/۱۱م سلاذن گونه یوئه به میزان اندک به دست آمده است ولی برعکس سلاذن لانگ چوان، گونه غالب منطقه به شمار می‌رود. همچنین در ده محوطه دشت میناب، تعدادی سفال گونه یوئه به دست آمده که همگی متعلق به پیش از قرن ۶هـ.ق/۱۲م است. در این دشت در محوطه K103، متعلق به قرن ۷هـ.ق/۱۳م تنها یک نمونه سلاذن یوئه به دست آمده و در محوطه K107 متعلق به میانه قرن ۸هـ.ق/۱۴م هیچ نمونه‌ای از سلاذن یوئه یافت نشده است. بیشترین میزان واردات سفال‌های خاور دور به دشت میناب را سلاذن‌های گونه لانگ چوان تشکیل می‌دهند که ۵۹ درصد کل ظروف وارداتی چین به این محوطه است.

بنابراین با توجه به:

- ۱- کشف نخستین سلاذن‌های گونه یوئه از سیراف متعلق به اواخر قرن ۳هـ.ق/۹م و سیر تطوری آن در مراحل مختلف این محوطه تا اوایل قرن ۶هـ.ق/۱۲م
- ۲- وجود نمونه‌های فراوان لانگ‌چوان در کیش متعلق به سده‌های ۷ و ۸هـ.ق/۱۳ و ۱۴م
- ۳- به دست آمدن سلاذن یوئه در ده محوطه دشت میناب که همگی متعلق به پیش از قرن ۶هـ.ق/۱۲م است و نیز عدم وجود یافته‌های یوئه در K108 (قرن ۸هـ.ق/۱۴م) و فراوانی سلاذن‌های گونه لانگ‌چوان
- ۴- شباهت بسیار زیاد نمونه‌های کیش و هرمز و تفاوت اساسی آنها از لحاظ رنگ خمیره، رنگ لعاب، فرم و تزیین با نمونه‌های یوئه در سیراف،

به نظر می‌رسد که به احتمال فراوان سلاذن یوئه نخستین گونه سفال سلاذن است که در قرن ۳ هـ ق از طریق تجارت دریایی در حجم انبوهی به سیراف وارد شده و تا قرن ۶ هـ ق/۱۲م در مناطق ساحلی و داخلی ایران تداوم داشته است. پس از قرن ۶ هـ ق/۱۲م سلاذن‌های یوئه از مناطق ساحلی و داخلی ایران ناپدید و سلاذن‌های لانگ چوان جایگزین آن می‌شود.

به احتمال قوی دلیل این امر، تنزل و افول کوره‌های یوئه در چین و در نهایت توقف صادرات آنها بوده است؛ چرا که در قرن ۶ هـ ق/۱۲م پس از دوره میانی سلسله سونگ شمالی، سلاذن یوئه به دلیل ظهور کوره‌های قابل توجه بسیار در شمال و همچنین کوره‌هایی نظیر لانگ چوان در چکینگ جنوبی، به تدریج رو به افول نهاده و در نهایت کوره‌های سونگ، جایگزین آنها می‌شوند. به نظر می‌رسد که یکی از عوامل اصلی افول ظروف یوئه، به ویژه پس از قرن ۱۱م، نازک بودن نسبی لعاب آنها و کیفیت و تزئینات زیبای سلاذن‌های گونه لانگ چوان می‌باشد (Lee, 1956:43).

همچنین با توجه به موارد زیر:

- ۱- فراوانی یافته‌های سلاذن یوئه در سیراف، صحار، و ده محوطه در دشت میناب (هم‌زمان با سیراف) و ۲۲ محوطه دیگر در سواحل و در اطراف دریای عمان،
- ۲- پراکنش آنها در مناطق داخلی تر نظیر سیرجان، استخر و شوش،
- ۳- کشف نمونه‌های اندک سلاذن در ری، نیشابور و گرگان،

و نیز نظر ویلیامسون (Williamson, 1987)، به احتمال زیاد، این گونه سفال از یک توزیع ساحلی برخوردار بوده و در مناطق داخلی رواجی چندانی نداشته است. در کاوش‌ها و بررسی‌های جدید باستان‌شناسی نیز در محوطه‌های قرون اولیه اسلامی سلاذن گونه یوئه گزارش نشده است. به عنوان مثال، در نه فصل کاوش در شهر اسلامی سیمره (لک‌پور، ۱۳۸۹)، که به کشف مجموعه‌ای بی‌نظیر از سفال‌های دوران صدر اسلام مانند نمونه‌های سیراف، سامرا و بصره و حتی سفال‌های سفید تولید چین انجامید، حتی یک نمونه سلاذن یوئه به دست نیامده است. در کاوش‌های کلایس در کاروان‌سرای قدیمی بیستون (کلایس و دیگران، ۱۳۸۹) نیز که مجموعه‌ای از سفال‌های اواخر ساسانی و اوایل اسلامی کشف شد، هیچ نمونه‌ای از سلاذن یوئه مشاهده نمی‌شود. برخلاف سیرجان (از مراکز نزدیک به خلیج فارس) که تعداد زیادی سلاذن گونه یوئه از آن به دست آمده، این گونه سفال در مناطق داخلی به خصوص در مناطق غربی ایران رواج چندانی نیافته است.

۱۳. پی‌نوشت

۱. دوره‌های سیراف به ۵ مرحله تقسیم شده است؛ قدیمی‌ترین لایه، لایه ۱ سیراف است در اوایل قرن ۳ هـ ق/۹م، لایه بعدی، لایه ۲ می‌باشد که به سه فاز تقسیم شده است: فاز 2A اواخر قرن ۳ هـ ق/۹م، فاز 2B قرن ۴ هـ ق/۱۰م و اوایل ۵ هـ ق/۱۱م و فاز 2C اواخر قرن ۵ هـ ق/۱۱م. لایه ۳ متعلق به قرن ۶ هـ ق/۱۲م و اوایل ۷ هـ ق/۱۳م است. لایه بعدی لایه ۴ مربوط به اواخر قرن ۷ هـ ق/۱۳م، و لایه ۵ نیز متعلق به قرن ۸ هـ ق/۱۴م است.
۲. به احتمال زیاد تاریخ سلاذن‌های شانگا، سیراف و صحار یکی باشد.
۳. ترانسه A در ماهروبان به دو دوره I و II تقسیم شده و دوره II نیز به دو فاز II a و II b تفکیک گردیده است. (اسماعیلی، ۱۳۸۹:۳۱۵).
۴. گونه این سفال شناسایی نشده است.
۵. با عبارت سفال سبز رنگ.

۱۴. تصاویر



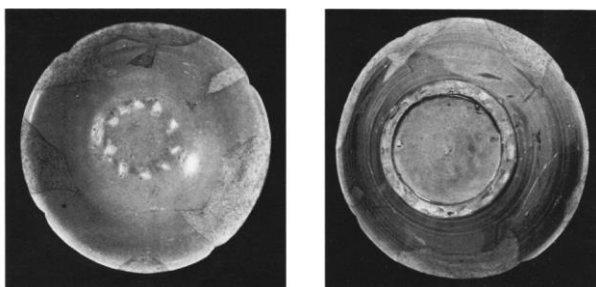
تصویر ۱: کوزه پروتو-پروسلین، فاقد نقش، چین، سلسله شانگ (Chen, 2000:6)



تصویر ۲: کوزه سلادن، با تزیین کننده، چین، سونگ شمالی (Chen, 2000:18).



تصویر ۳: بشقاب سلادن با طرح دو اژدها در وسط، تزیین قالب‌زده، چین، سلسله یوآن (Medley, 1974: 75)



تصویر ۴: سلاذن‌های گونه یونه، چین، مکشوف از سیراف، قرن ۳ هـ ق (Whitehouse, 1971: pl.IXa)



تصویر ۵: بشقاب سلاذن، گونه یونه، چین، سلسله تانگ (Chen, 2000:15)



تصویر ۶: بشقاب سلاذن، گونه یونه، چین، سلسله تانگ (Takahito, 1988:26)



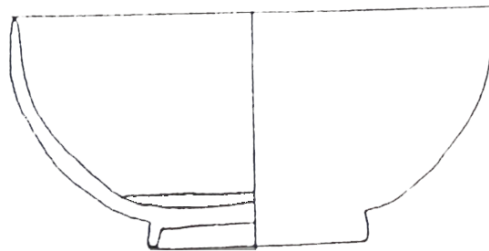
تصویر ۷: بدنه یک ظرف سلاذن، گونه یونه، چین، سلسله سونگ (Takahito, 1988:25)



تصویر ۸: بدنه یک ظرف سلادن، گونه یوئه، چین، سلسله سونگ (Takahito, 1988:24)



تصویر ۹: گلدان سلادن گونه لانگ چوآن، چین، سلسله سونگ (Fang, 2011:46)



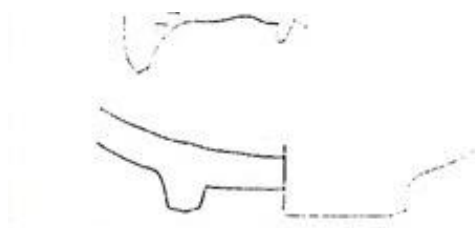
طرح ۱: سلادن گونه یوئه استانی، چین، مکشوف از سیراف، قرن ۳ هـ ق (Tampeo, 1989: 64)



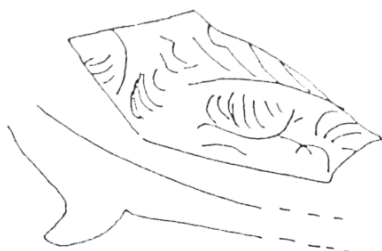
طرح ۲: سلادن گونه یوئه معمولی، چین، مکشوف از سیراف، قرن ۳ هـ ق (Tampeo, 1989: 64).



طرح ۳: سلاذن گونه یوئه معمولی، چین، مکشوف از سیراف، قرن ۳ هـ ق (Tampeo, 1989: 64).



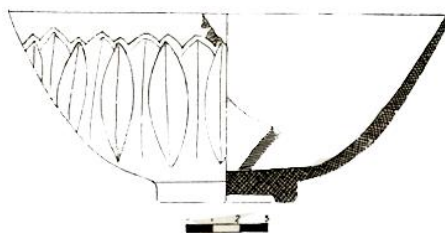
طرح ۴: سلاذن نوع یوئه معمولی، چین، مکشوف از سیراف، ۳ هـ ق (Tampeo, 1989: 64)



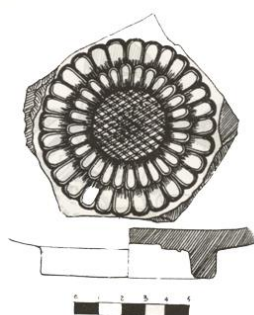
طرح ۵: سلاذن نوع یوئه پیشرفته، چین، مکشوف از سیراف، اواخر قرن ۵ هـ ق (Tampeo, 1989: 313)



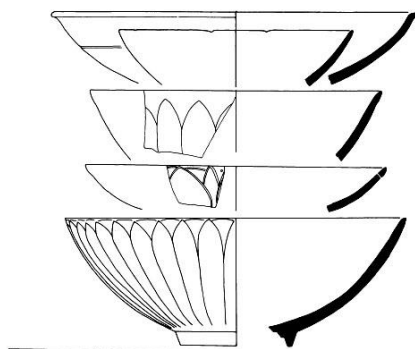
طرح ۶: سلاذن نوع یوئه پیشرفته، چین، مکشوف از سیراف، اواخر قرن ۵ هـ ق (Tampeo, 1989: 313)



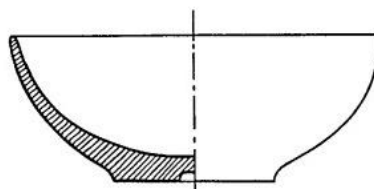
طرح ۷: قده بزرگ سلادن گونه لانگ چوآن (گونه این سلادن را نگارندگان شناسایی نموده‌اند)، چین، مکشوف از کیش (موسوی، ۲۳۲:۱۳۷۶)



طرح ۸: کاسه سلادن، چین، مکشوف از کیش (موسوی، ۲۳۲:۱۳۷۶)



طرح ۹: سلادن لانگ چوآن با تزیین کنده، چین، مکشوف از محوطه K103 دشت میناب (Morgan, 1991 :73)



طرح ۱۰: کاسه سلادن گونه یوئه، مکشوف از تپه سبز پوشان نیشابور، ارتفاع: ۵.۵ سانتی‌متر (Wilkinson, 1973:255)

۱۵. منابع

- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبید الله بن عبدالله (۱۳۷۰)، *المسالك و الممالک*، ترجمه‌ی حسین قره چانلو، مترجم، تهران.
- اسمعیلی جلودار، محمد اسماعیل (۱۳۸۹)، «ارتباط تجاری بنادر باستانی شمالی و جنوبی خلیج فارس در دوره‌ی اسلامی تا قرن ۵ هجری (براساس بررسی‌ها و کاوش‌های سواحل مرکزی بخش شمالی خلیج فارس)»، پایان‌نامه دکتري باستان‌شناسی (گرایش اسلامی)، دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- حاتمی، ابوالقاسم (۱۳۷۴)، «بررسی تحلیلی باستان‌شناسی سیرجان قدیم از اوائل اسلام تا دوره تیموری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- کلایس، ولفرام و کالمایر، پتر (۱۳۸۵)، بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، ترجمه‌ی فرامرز نجد سمیعی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- لک‌پور، سیمین (۱۳۸۹)، *کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر (سیمره)*، نشر پازینه، تهران.
- موسوی، محمود (۱۳۷۶) «کاوش‌های باستان‌شناسی در شهر تاریخی حریره جزیره کیش»، گزارش‌های باستان‌شناسی ۱، تهران، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۲۳۸-۲۰۵.
- Britt, J., 2007. *The complete guide to high-fire glazes: glazing and firing*, New York, Sterling Publishing Company.
- Campbell, G., 2006. *The Grove Encyclopedia of Decorative Arts*, Volume 2, London, Oxford University Press.
- Chen, K., 2000. *Chinese porcelain: art, elegance and appreciation*, San Francisco, Long River Press.
- Deng, Y., 2011. *Ancient Chinese invention*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Dewar, R., 2002. *Stoneware*, Pennsylvania, University Pennsylvania Press.
- Fang, L., 2011. *Chinese ceramics*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Fuqua, J.A., 2007. *The essence of tea: the effects of Lu yus "Chu' Ching" on the extent of changes, in tea drinking and the material cultural of Yue ware in Tang China after 78. AD*, Nacogdoches, Stephen F. Austin State University.
- Garner, H.M., 1959. *Chinese Celadon Wares*. The Burlington Magazine, Vol.101, No. 678/679 pp. 64-67.
- Gompertz, G. M., 1963. *Korean Celadon*, London, Faber and Faber.
- Guy, J. 1986. *Oriental trade ceramics in South-East Asia, ninth to sixteenth centuries: with a catalogue of Chinese, Vietnamese and Thai wares in Australian collections*. Oxford, Oxford University Press.
- Kennet, D., 2004. *Sasanian and Islamic pottery from Ras al- Khaimah. classification, chronology and analysis of trade in the western Indian Ocean*. Oxford, BAR Int. Ser. 1248.
- Koehlin, R., 1928. Les ceramiques musulmanes de Suse au Musee du Louvre. MAP, 19.
- Lee, E., 1956. The Celadon tradition. The Bulletin of the Cleveland Museum of Art, Vol.43, No. 3 pp. 46-52.
- Medley, M., 1974. *Yuan Porcelain and stoneware*. London, Faber and Faber.
- Morgan, P., 1991. New thought on Old Hormuz: Chinese ceramics in the Hormuz region in the thirteenth and fourteenth century. Iran, Journal of the British Institute of Persian Studies, Vol 29, 67-84.
- Rougeulle, A., 1990. Les importation de ceramique chinoise dans le golf arabo-persique (VIII- X siècles). Archeologie Islamique 2, 5-46.
- Takahito, M., 1988. *Cultural and economic relations between East and West: sea routes*, Wiesbaden, Ott Harrassowitz Verlag.
- Tampeo, M., 1989. Maritime trade between China and west: an archeological study of the ceramics from Siraf (Persian Gulf) 8 to 15th century A.D. Oakville, David Brown Book Company.

Tregear, M., 1987. *Chinese ceramics in the Ashmolean Museum: an illustrated handbook to the collections*, Oxford, Ashmolean Museum.

Valenstein, S., 1988. *A hand book of Chinese ceramics*, New York, Metropolitan Museum of Art.

Watson, O., 2004. Chinese-Iranian relations: mutual influence of Chinese and Persian ceramics. *Encyclopaedia Iranica*, Vol. V, Fasc. 5, pp. 455-457.

Whitehouse, D., 1968. Excavations at Siraf: first interim report. *Iran, Journal of the British Institute of Persian Studies*, 6, 1-22.

Whitehouse, D., 1971. Excavation at Siraf: frouth interim report. *Iran, Journal of the British Institute of Persian Studies*, 9, 1-17.

Whitehouse, D., 1976. Kish. *Iran, Journal of the British Institute of Persian Studies*, 14, 146-147.

Whitfield, R., and Chan, T., 2009. *National Museum of Korea*, Seoul, National Museum of Korea.

Wilkinson, Ch. K., 1973. *Nishabur: pottery of the early Islamic period*, New York, Metropolitan Museum of Art.

Williamson, A., 1970. Islamic trade routes in southern Iran, *Journal of the British Institute of Persian Studies*, 8, 177.

Williamson, A., 1987. Regional distribution of medieval Persian pottery in the light of recent investigations, *Oxford, Studies in Islamic Art* 4: 11-12

Won-Bok, L. 2009. *Royal ceramics of Goryeo Dynasty*, Seoul, National Museum of Korea.

Yun, Y., 2005. *The Gompertz and other collection in the Fitzwilliam Museum*. Cambridge, Cambridge University Press.

Zakin, R., 2011. *Ceramics- mastering the craft*. Wisconsin, Krause Publication.